

فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۴، بهار ۹۲، صفحات ۱۷۶-۱۴۷

مطالعه‌ی جریان‌های مهاجرتی و عوامل مؤثر بر آن در استان مازندران

غلامرضا خوش فر^۱، یونس دانش^۲، علی جوادی نیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

چکیده

این مطالعه به بررسی جریان‌های مهاجرتی استان مازندران و علل و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. در این زمینه نویسندگان مقاله در پی یافتن پاسخ به این پرسش هستند که روند مهاجرت در استان مازندران به چه صورتی است و همچنین چه عواملی بر آن تأثیر دارد؟ با توجه به این پرسش اساسی چند فرضیه‌ی مهم در متن این پژوهش شکل گرفت که با استفاده از نظریاتی که در حوزه‌ی مهاجرت مطرح شده است سعی در تبیین آن داریم. از مهم‌ترین نظریاتی که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته نظریاتی است که در غالب نظریات اقتصادی و اجتماعی و روانشناختی مهاجرت و روانشتاین و..... مطرح شده است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از داده‌های سرشماری (تحلیل ثانویه) و در ادامه برای بررسی پیمایشی از تکنیک پرسش‌نامه استفاده شده است. نمونه‌ی آماری پژوهش پیمایشی شامل افرادی است که برای تغییرنشانی به ادارات ثبت احوال سطح استان مراجعه کرده‌اند و روش نمونه‌گیری سرشماری مقطعی است. نتایج پژوهش براساس یافته‌های سرشماری نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۷۵-۱۳۸۵ مازندران جزء ۱۱ استان مهاجرپذیر کشور است. بیش‌ترین مبادله‌ی مهاجرتی استان همواره با استان‌های هم‌جوار خود بوده و حدود ۶۰ درصد از جریانات مهاجرتی به مهاجرت‌های داخل استانی و ۴۰ درصد به مبادلات مهاجرتی با دیگر استان‌های کشور اختصاص دارد. یافته‌های پژوهش دربخش آزمون فرضیات نشان می‌دهد که عوامل روانشناختی بیش‌ترین تأثیر و متغیر عوامل اقتصادی کمترین تأثیر را بر مهاجرت داشته است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، مبدأ مهاجرت، مقصد مهاجرت، عوامل جاذبه، عوامل دافعه، استان مازندران

gh.khoshtar@gu.ac.ir

younesdanesh@gmail.com

javadinia.ali@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان (نویسنده مسؤل)

۲- عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان

۳. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

مهاجرت یکی از سه عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و عدم تعادل‌هایی را در جمعیت تحت تأثیر خود به وجود آورد. مهاجرت مهم‌ترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساختار جمعیت است. نه تنها حجم و چگونگی مهاجرت‌ها از کشوری به کشور دیگر از اهمیت زیادی برخوردار است، بلکه حرکات و جابه‌جایی جمعیت داخل یک کشور نیز می‌تواند دست کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب عمران و آبادانی و یا رکود و عقب ماندگی شود (زنجانی ۱۳۷۱: ۱۷۷).

وجود ۱۷/۵ درصد (۲۱۳۲۴۳ نفر) جابه‌جایی مهاجرتی در سطح استان مؤید پویایی جمعیتی نسبتاً بالا در این استان است. با توجه به این امر که مهاجرت مهم‌ترین عامل خارجی تغییر تعداد و ساختار جمعیت است حرکات و جابه‌جایی جمعیت داخل یک کشور (مهاجرت داخلی) نیز می‌تواند دست کم در برخی از دوره‌های زمانی، موجب بروز مسائل اجتماعی جدیدی شود.

بدیهی است با توجه به پرسش اساسی پژوهش که روند مهاجرت در استان مازندران به چه صورتی بوده و همچنین چه عواملی بر آن تأثیر دارد؟ ضرورت بررسی این مسأله در این استان را با توجه به ورود مهاجران از گونه‌های متفاوت قومی و نژادی و همچنین مهاجرت‌های درون استانی آن، لازم و ضروری می‌نمایاند.

جدول شماره‌ی یک- میزان کل حرکت‌های مهاجرتی در سطح استان مازندران

سال	کل جمعیت استان	کل حرکت‌های مهاجرتی	درصد
۱۳۶۵	۲۲۷۴۷۶۳	۲۵۹۱۰۴	۱۱,۴
۱۳۷۵	۲۶۰۲۰۰۸	۴۹۵۸۴۹	۱۹,۱
۱۳۸۵	۲۹۲۰۶۰۱	۵۱۰۸۲۲	۱۷,۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن.

در این تحقیق بر آن هستیم که با بررسی جمعیت آماری در استان مازندران، روند مهاجرت در استان را بررسی و علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت را مطالعه کنیم.

سؤالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخ آن است عبارتند از:

۱- روند مهاجرت درون استانی و برون استانی به چه صورتی بوده است؟

۲- چه عواملی بر مهاجرت در استان تأثیر دارند؟

با توجه به نوع پژوهش که به بررسی روند و علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت می‌پردازد و ماهیت آن گذشته‌نگر است، ایجاب می‌کند که روش کار غیر مستقیم و از نوع تحلیل ثانویه^۱ و توصیفی باشد. بدیهی است در این روند استفاده از داده‌های سرشماری به همراه روش‌های پیمایشی برای شناخت علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت می‌تواند نتایج بهتری را ارائه کند. جمعیت آماری پژوهش کلیه‌ی افراد (زن و مرد سرپرست خانوار) مراجعه‌کننده به ادارات ثبت احوال استان مازندران برای اعلام تغییر نشانی (مهاجرت) است در این پژوهش به دلیل عدم اطلاع از تعداد مراجعه‌کنندگان به ادارات سطح استان نمونه‌گیری بر اساس سرشماری مقطعی خواهد بود و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه مسأله‌ی مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک، به شهرهای بزرگ‌تر و مراکز استان‌ها به‌عنوان یکی از مشکلات حاد کشور مطرح است. با توجه به این امر اهمیت و ضرورت این پژوهش را می‌توان در سه سطح بیان کرد:

به لحاظ نظری بررسی سیمای مهاجرتی، روند و علل و عوامل آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این پژوهش از منظر نظری جدیدی به بررسی تحولات مهاجرت پرداخته و این نگاه در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

به لحاظ کاربردی نیز نیاز سازمان‌های مجری سیاست‌های جمعیتی کشور، از جمله سازمان ثبت احوال و استانداری‌های کشور به شناخت پدیده‌ی مهاجرت و شناخت روند علل و عوامل آن را تا حدودی مرتفع کرده و با توجه به این امر که اتخاذ سیاست‌های

جمعیتی امری اجتناب‌ناپذیر است نتایج این پژوهش می‌تواند در امر سیاست‌گذاری‌های جمعیتی مسؤولان مؤثر واقع شود.

دیگر آن‌که این پژوهش به لحاظ موضوعی نیز از منظر جدیدی به پدیده‌ی مهاجرت پرداخته و سعی کرده است با استفاده از پژوهش‌های مشابه باب جدیدی را در مسأله مهاجرت باز کند. لیکن به دلیل ناهماهنگی‌های موجود در وضعیت تحقیقات به نظر می‌رسد کمتر به صورت جامع به پدیده، مهاجرت درون‌استانی پرداخته شده باشد. بنابراین با توجه به عوامل مطرح شده اهمیت و ضرورت این پژوهش بیش از پیش احساس می‌شود. بنابراین شناسایی ساختار و روند علل مهاجرت در استان که هدف اصلی پژوهش است، می‌تواند به لحاظ کاربردی در پیش‌بینی آینده تحرکات جمعیتی برای برنامه‌ریزی مؤثر واقع شود.

مبانی نظری

نگرش‌های مختلفی نسبت به مهاجرت وجود دارد؛ زیرا این پدیده یک موضوع میان رشته‌ای و دارای جنبه‌های جمعیتی و اقتصادی و اجتماعی است. مهاجرت در معنای عام کلمه عبارت است از «تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر» این نقطه را معمولاً محدوده‌ی یک شهر یا روستا در نظر می‌گیرند، ولی جابه‌جایی جمعیت در داخل آن نقاط را مهاجرت محسوب نمی‌کنند. لغت‌نامه‌ی جمعیت‌شناسی سازمان ملل، مهاجرت را شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی می‌داند که میان دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این‌گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم می‌گویند و باید آن را از شکل دیگر حرکت جمعیتی که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی‌باشد تفکیک کرد (زنجانی ۱۳۸۰: ۲۱۲).

رولان پرسا^۱ جمعیت‌شناس فرانسوی، مهاجرت را حرکات افراد یا گروهایی می‌داند که به تغییر محل اقامت معمولی فرد به صورت دائمی یا طولانی منجر می‌شود. پرسا میان مهاجرت و تحرک مکانی تفاوت قائل می‌شود. در باور او تحرک مکانی هر نوع جابه‌جایی

اعم از دائمی یا موقت را دربر می‌گیرد به بیان دیگر در تحرک مکانی تغییرات محل اقامت موقت و گذرا بوده و به تغییر محل اقامت معمولی فرد منجر نمی‌شود (همان ۱۳۸۰: ۶).

مهاجرت حاصل فرایند پیچیده‌ی تصمیم‌گیری است که فرد، محیط مبدأ و محیط مقصد در آن شریک‌اند، افراد همگی در معرض احتمال مهاجرت قرار نمی‌گیرند؛ برخی ممکن است هرگز به مهاجرت نیندیشند و بعضی ممکن است در طول زندگی چند بار مهاجرت کنند. با توجه به این نکته که مهاجرت موضوعی میان رشته‌ای است بر همین اساس آراء و اندیشه‌های گوناگون و متفاوتی درباره‌ی آن وجود دارد که هر کدام از آن‌ها جنبه‌ی خاصی از این پدیده را مورد توجه قرار داده‌اند.

از منظر رویکرد اجتماعی مطالعات مربوط به مهاجرت اهمیت به سزایی دارد. ادغام یا تک افتادگی، شبکه‌ی روابط اجتماعی مهاجران، تأثیرات مهاجرت بر مناسبات خانوادگی و روابط نسلی، تنش‌های ناشی از تغییر شرایط و پایگاه مهاجران، اجتماعات مهاجران در مقصد و آسیب‌های اجتماعی و نظایر آن در این دیدگاه مورد مطالعه قرار می‌گیرد (نقدی ۱۳۸۷: ۳۲). رویکرد روانشناختی مهاجرت نیز به مسأله مهاجرت نگاهی ویژه دارد. در میان نظریه‌پردازان این نحله‌ی فکری تودارو در زمره‌ی کسانی بود که به صراحت از نقش عامل روانی در افزایش تمایل به مهاجرت سخن گفته است. تودارو این فرضیه را مطرح می‌کند که افراد محافظه کار دیرتر از افراد خطرگو به عامل درآمد مورد انتظار پاسخ می‌دهند و اقدام به مهاجرت می‌کنند از این رو به نظر تودارو، افراد خطرگو در میان مهاجران بیش از جامعه مبدأ هستند (فرجادی ۱۳۸۲: ۲۲).

بسیاری از مسائل اجتماعی مانند افزایش سریع جمعیت شهرها، فقدان امکانات شهری مطلوب، افزایش بیماری‌های پنهان شهری و حاشیه نشینی، آلودگی‌های زیست محیطی، به هم خوردن ساختار جمعیتی و درنهایت بروز مشکلات روانی و بهداشتی هم باعث ایجاد مهاجرت‌ها و هم از عواقب ناخوشایند مهاجرت‌هاست. مجموع این عوامل باعث افزایش استرس و فشارهای روانی برای مهاجرت می‌شود (مورفی ۱۹۹۷: ۶۷۸).

مهاجرت از نگاه و دریچه‌ی اقتصادی با آرا و عقاید آدام اسمیت اقتصاددان کلاسیک و پیروان وی شکل گرفت. وی مهاجران کارگر را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می‌دانست و آن را نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه‌ی مهاجر پذیر و مهاجر فرست می‌دانست، بلکه حتی

آن را وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به شمار می‌آورد. از نظر اقتصادی مهاجرت‌ها اعم از مهاجرت‌های داخلی و مهاجرت‌های بین‌المللی مکانیزمی برای بازتوزیع نیروی کار است. بر پایه‌ی این نظریه هر جا عرضی نیروی کار بیش از سرمایه باشد دستمزدها رو به کاهش می‌گذارد و در نقاطی که انباشت سرمایه بیش از نیروی کار باشد دستمزدها سیر صعودی می‌گیرد. این وضع مهاجرت نیروی کار را از منطقه‌ی نخست به منطقه‌ی دوم می‌کشاند و تعادلی میان دستمزدها و نیروی کار ایجاد می‌کند.

برخی از محققان علوم اجتماعی نظریه‌ی راونشتاین^۱ را به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌های مهاجرتی محسوب می‌دارند. قوانینی را که راونشتاین از آن‌ها بحث کرده است می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. فاصله و مهاجرت: شدت مهاجرت میان دو نقطه با فاصله‌ی آن دو رابطه‌ی معکوس دارد و با طولانی‌تر شدن فاصله میان مبدأ و مقصد، گرایش ضمنی در مهاجران ایجاد می‌شود: الف. استقرار در نقاط شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ ب. مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی و تجاری.

۲. مرحله‌ای بودن مهاجرت: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. در نتیجه نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم‌جمعیت و کمتر فعال به نقاط پرجمعیت و فعال‌تر وجود دارد و این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه‌ای در آن وجود داشته باشد ادامه دارد.

۳. تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت: گرچه مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستایی به نقاط شهری و از شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌گیرد جریان وارونه‌ای نیز از شهرهای بزرگ‌تر به شهرهای کوچک‌تر و از نقاط شهری به نقاط روستایی وجود دارد. به‌همین دلیل مجموع مهاجرت‌های انجام گرفته میان دو نقطه، همواره بیش از موازنه‌ی مهاجرتی (خالص مهاجرت) میان آن دو نقطه است. وی با توجه به شرایط زمانی خود بر این نکته تأکید می‌کند که موازنه‌ی مهاجرتی از روستا به شهر همواره بیش از موازنه‌ی مهاجرتی از شهر به روستا است.

۴. ارتباطات و مهاجرت: ارتباطات و توسعه آن شناخت مهاجر از محیط پیرامونی خود را افزایش می‌دهد، بنابراین رابطه‌ی مستقیمی میان آن دو ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر هرچه ارتباطات گسترش یابد مهاجرت‌ها نیز رو به افزایش می‌گذارد.

۵. فزونی شمار زنان در مهاجرت با مسافت کوتاه: به نظر می‌رسد میان مهاجرین در مسافت کوتاه، زنان برتری داشته باشند.

۶. تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: اهالی شهرها کمتر از اهالی قسمت‌های روستایی کشور مهاجرت می‌کنند، از این رو در جریان‌های مهاجرت داخلی معمولاً «خالص» مهاجرت از روستا به شهر بیش‌تر است.

۷. برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت: راونشتاین بدون غفلت از سایر عوامل مؤثر بر مهاجرت، بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها تأکید دارد و آن را مهم‌ترین عمل برانگیزاننده‌ی مهاجرت‌ها می‌داند (زنجان‌ی ۱۳۸۰: ۱۳۱).

اورت، اس.لی^۱ با اعلام این موضوع که قوانین مهاجرت راونشتاین هنوز هم معتبر بوده و نقطه‌ی شروعی برای بسیاری از نظریات مهاجرت در عصر وی است، سعی در ارائه‌ی تعریفی گسترده و عمومی از مهاجرت به‌عنوان یک تغییر دائم یا نیمه‌دائم محل سکونت کرده و عوامل مؤثر بر مهاجرت را بر شمرده و معتقد است صرف‌نظر از نزدیکی و یا دوری مسافت، سهولت، صعوبت کار، هر عمل مهاجرت حاوی مبدأ، مقصد و یک سلسله موانع دخالت‌کننده است. وی رویکرد علت و معلولی به قضیه‌ی مهاجرت دارد و معتقد است که عواملی که در تصمیم به مهاجرت و فرایند آن تأثیر دارند را می‌توان تحت چهار عنوان کلی زیر دسته‌بندی و خلاصه کرد:

۱- عواملی که با حوزه‌ی مبدأ مهاجرت ارتباط دارند؛

۲- عواملی که با محل مقصد مهاجرت مرتبط است؛

۳- عوامل (موانع) مداخله‌گر (بازدارنده)؛

۴- عوامل شخصی.

در نظریه و مدل «لی» چنین فرض شده است که مناطق مبدأ و مقصد هر یک دارای عوامل مثبتی هستند که افراد را در محل نگه می‌دارد و یا موجب می‌شود دیگران به سوی آن

جذب شوند. در مقابل عوامل منفی نیز در هریک از این مناطق نیز وجود دارند که موجب دفع و طرد مردم از آن مناطق هستند. به اعتقاد وی مهاجرت نوعی گزینش و انتخاب است و شناخت عوامل برانگیزاننده در هر دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد نقش مهمی در تبیین فرایند مهاجرت دارد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۱).

چارچوب نظری پژوهش

دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی تا کنون برای تبیین مهاجرت در کشورهای مختلف ارائه شده است و بخش عمده‌ای از تلاش‌های جمعیت‌شناسان همواره مصروف توسعه‌ی مدل‌های تبیینی و تئوریزه کردن ساز و کار تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی و روانشناختی بر مهاجرت شده است. این گوناگونیها در هر حال تقاضا می‌کند که در ارتباط با شرایط رویداد مسأله این تحقیق متغیرهای دخیل مشخص شود و در نظام منطقی چهارچوبی را فراهم آورد که توانایی تبیین مسأله این تحقیق را داشته باشد. اگر چه ثمره‌ی این تلاش‌ها، به‌طور نسبی توانسته است امروزه درک ما را از موضوع ارتقا دهد، مدل‌ها و تئوری‌های موجود مهاجرت به تنهایی با توجه به پیچیدگی‌های مسأله نمی‌تواند موضوع این تحقیق خاص را تبیین کند.

آنچه در این زمینه می‌توان گفت آن است که مهاجرت پدیده‌ی پیچیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد و با توجه به این امر که در جوامع و محیط‌های اجتماعی متعدد، شرایط و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن‌ها متفاوت است، عواملی که بر مهاجرت تأثیر می‌گذارد از هر محیطی به محیطی دیگر می‌تواند متفاوت باشد. همچنین این عوامل در طی زمان‌های مختلف باز می‌تواند دچار تغییر شود و فرق کند. بنابراین با توجه به ضرورت‌ها مسأله باید به تدوین نوعی چارچوب نظری دست یافت که بتواند پاسخ‌گو مسأله باشد. از این رو سعی می‌شود با توجه به منابع نظری معرفی شده پاسخی در حد توان به این مسأله داده شود.

مفهوم مهاجرت در مقایسه با سایر وقایع جمعیتی پیچیدگی‌های بیش‌تری دارد. گذشته از این که این واقعه مثل واقعه‌ی مرگ تکرارناپذیر نیست، حتی در مقایسه با وقایعی چون تولد و ازدواج نیز که تکرارپذیر هستند به لحاظ مفهومی پیچیده‌تر است. پیچیدگی این مفهوم را

می‌توان با معیارهایی که برای تعریف آن به‌کار می‌برند روشن‌تر ساخت. مهم‌ترین معیارهای تعریف این مفهوم عبارتند از: معیار فضایی، معیار اقامت، معیار زمان و معیار فعالیت (کوششی ۱۳۸۳:۳۳۸). دیدگاه‌های نظری مختلفی درباره‌ی موضوع پژوهش وجود دارد؛ اما آنچه می‌توان در مورد این تئوری‌ها گفت این است که سهم نظریه‌هایی که به تأثیر عوامل اقتصادی بر حرکت‌های مهاجرتی توجه داشته به‌طور قابل توجهی بیش‌تر از سایر تئوری‌ها است. سلی فیندلی در این مورد بیان می‌کند این‌که چه نظریه‌ای برای تعیین مهاجرت به‌کار می‌رود مهم نیست بلکه روشن شدن برتری انگیزه‌های اقتصادی حائز اهمیت است.

در هر حال در این پژوهش به فراخور موضوع پژوهشی و با توجه به مطالعه‌ی جریان‌های مهاجرتی استان، احساس می‌شود نظریات اقتصادی و اجتماعی و روانشناختی مهاجرت و هم‌چنین نظریه‌ی لی و راونشتاین که به ارتباطات و علل و عوامل موجود در مبدأ و مقصد مهاجرت توجه دارند با دقت بیشتری به تشریح مسأله پرداخته‌اند. بنابراین در پردازش آن، با محوریت دادن به نظریات یاد شده سعی می‌شود با بیان رابطه میان متغیرهایی که می‌تواند در امر علل مهاجرت دخیل باشد تبیینی مناسب درباره‌ی علل و عوامل مؤثر بر جریان‌های مهاجرتی ارائه می‌شود.

دیدگاه اقتصادی پدیده‌ی مهاجرت را مکانیزمی برای باز توزیع نیروی کار می‌داند. این نگرش مهاجران را نیز تابع قانون عرضه و تقاضا می‌داند و آن را نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه‌ی مهاجرپذیر و مهاجر فرست می‌داند بلکه آن را وسیله‌ای برای بهبود وضع کار و اشتغال به‌شمار می‌آورد. مهاجرین در همه جا برای درآمد بیش‌تر، از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کنند. بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی علت اصلی مهاجرت‌ها است. انگیزه‌ی اقتصادی عموماً در دو زمینه‌ی جستجو برای کار و کسب درآمد بیش‌تر خلاصه می‌شود (کوششی، ۱۳۸۳:۳۳۸). رویکرد اقتصادی به مهاجرت که پیش‌تر به تفصیل مورد بحث قرار گرفته احتمالاً می‌تواند با توجه به وضعیت جغرافیای مازندران و هم‌چنین بافت جمعیتی آن بخشی از پدیده‌ی مهاجرت را تبیین کند.

رویکرد اجتماعی مهاجرت از منظر اجتماعی به این امر نگاه می‌کند و با توجه به انتقاداتی که به رویکرد اقتصادی به دلیل تک بعدی بودن آن می‌شود، این رویکرد می‌تواند جنبه‌های دیگر پدیده‌ی جریان‌های مهاجرتی استان را تبیین کند ادغام یا تک افتادگی، شبکه‌ی روابط

اجتماعی مهاجران، تأثیرات مهاجرت بر مناسبات خانوادگی و روابط نسلی، تنش‌های ناشی از تغییر شرایط و پایگاه مهاجران و اجتماعات مهاجران در مقصد و آسیب‌های اجتماعی و نظایر آن در این دیدگاه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. گرچه عوامل اقتصادی و اجتماعی در مهاجرت‌ها اهمیت بسیار بالایی دارند، همواره نمی‌توان آن‌ها را عوامل منحصر به فرد بر انگیزاننده‌ی مهاجرت‌ها دانست. گاهی عوامل شخصی و روانی شخص مهاجر علت مهاجرت است. رویکرد روانشناختی مهاجرت به مجموعه‌ای از عواملی که باعث افزایش استرس و فشارهای روانی برای مهاجرت می‌شود توجه دارد عواملی که می‌تواند ناشی از بروز مسائل اجتماعی در جامعه‌ی مبدأ باشد. این عوامل می‌تواند به‌عنوان دلایلی تلقی شود که در تصمیم‌گیری فرد مهاجر برای مهاجرت دخیل باشد هم‌چنین در کنار این عوامل شناخت مهاجر از محیط پیرامون سهم به‌سزایی در فرایند پیچیده‌ی تصمیم‌گیری مهاجرت دارد. به زعم راونشتاین ارتباطات و توسعه‌ی آن، شناخت فرد مهاجر را از محیط پیرامون خود افزایش می‌دهد، بنابراین رابطه‌ی مستقیمی میان آن دو ایجاد می‌شود. وی بر این نظر است که هرچه ارتباطات گسترش یابد در نتیجه‌ی آن شناخت مهاجر از محیط افزایش یافته و در ادامه آن مهاجرت‌ها نیز رو به افزایش می‌گذارند. با توجه به پیدا شدن شناخت از مزایا و معایب محیط مبدأ و مقصد توسط مهاجرین، فرد در معرض احتمال به مهاجرت قرار می‌گیرد. در این زمینه «لی» بر این عقیده است که مناطق مبدأ و مقصد، هر یک دارای عوامل مثبتی هستند که افراد را در محل نگه می‌دارد و یا موجب می‌شود دیگران به‌سوی آن جذب شوند. در مقابل عوامل منفی نیز در هر یک از این مناطق وجود دارند که موجب دفع و طرد مردم از آن مناطق هستند. در این میان عوامل خنثی نیز وجود دارند که روی هم رفته، نه به‌عنوان نیروی جاذب و نه به‌عنوان نیروی دافع هستند و در واقع در ترغیب و یا عدم ترغیب به مهاجرت نقشی ندارند. به اعتقاد وی مهاجرت نوعی گزینش و انتخاب است و شناخت عوامل بر انگیزاننده در هر دو حوزه مبدأ و مقصد نقش مهمی در تبیین فرایند مهاجرت دارد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۷۱). در هر حال وجود عوامل خاص در مبدأ و مقصد مهاجرت و شناخت مهاجران به این عوامل از طریق گسترش ارتباطات می‌تواند فرد مهاجر را در آستانه‌ی مهاجرت قرار دهد.

پیشینه‌ی تحقیق

محمودیان، مشفق (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی «تغییرات ساختارمکانی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای در ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۵۵» پرداخته‌اند. در این مقاله تلاش شده روند تغییرات برخی از شاخص‌های عمده‌ی نظام مهاجرت میان منطقه‌ای (بین استانی) با استفاده از مدل مفهومی ساختار مکانی مهاجرت‌های داخلی و نظریه‌ی انتقال تحرکی زلینسکی طی دوره‌ی سی ساله مورد بررسی قرار گیرد. پس از معرفی پنج بعد اساسی نظام مهاجرت‌های داخلی یعنی: شدت، اثر، پیوستگی، تمرکزگرایی و فاصله‌ی مهاجرتی، برخی از سنجه‌های مهم آن‌ها محاسبه و روندهای کلی آن‌ها طی سه دهه‌ی گذشته ترسیم و تحلیل شد یافته‌های پژوهش نشان داد طی سه دهه‌ی گذشته میزان ناخالص تجدید مهاجرت و نیز شاخص اثربخشی مهاجرت‌ها در باز توزیع جمعیت کاهش اساسی داشته‌اند (محمودیان، مشفق ۱۳۸۷: ۸۹-۱۱۷).

کاظمی‌پور، قاسمی اردهایی (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی «تجربه‌ی اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران» پرداخته‌اند. تجربه‌ی اقامت در یک محیط را می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت به آن محیط دانست. برای ارزیابی مدل و شناخت تأثیر تجربه‌ی اقامتی در شهر تهران بر میزان تمایل به مهاجرت به این شهر، دانشجویان غیرتهرانی علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، شیراز و مازندران انتخاب شده و با استفاده از روش پیمایش، تجزیه و تحلیل نهایی بر روی ۳۷۱ دانشجو انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد، تجربه‌ی اقامت در تهران یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل به مهاجرت به این شهر است (کاظمی‌پور، اردهایی، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۳۰).

کوششی (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی «نقش جوانان در جریان‌های مهاجرتی و عرضه‌ی نیروی کار استان تهران» پرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی جریان‌های مهاجرتی استان و آثار آن از نظر عرضه‌ی نیروی کار پرداخته است. نتایج بررسی نشان داد که جریان‌های مهاجرتی استان خصوصاً جریان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی کاملاً سن و جنس گزین بوده است. میزان مهاجرت هر دو جنس در سنین کار به‌طور قابل توجهی بالا بوده و میزان مهاجرت سنین ۱۵-۲۹ سال بنه‌حوی بوده که مسلماً عرضه‌ی نیروی کار استان را تحت تأثیر قرار داده است (کوششی، ۱۳۸۳: ۳۵۷-۳۳۷).

بررسی خانی (۱۳۸۳) در خصوص پیامد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در روستاهای بند پی شرقی استان مازنداران نیز، حکایت از بارز بودن مهاجرت زیادت‌ر مردان نسبت به زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی استان دارد (خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

لیو^۱ در سال (۱۹۷۵) در مطالعه‌ی خود در خصوص بررسی اثرپذیری میزان خالص از شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از نرخ خالص مهاجرت میان سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تأثیر مثبت و معنی‌دار شاخص‌های کیفیت زندگی بر مهاجرت را نشان داده است. در مطالعه‌ی وی اغلب متغیرهای مورد استفاده متغیرهای اقتصادی هم‌چون درآمد سرانه تعدیل شده بر اساس سایر هزینه‌ها است (لیو: ۱۹۷۵).

لور و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ی خود به بررسی نحوه‌ی اثرگذاری عوامل غیراقتصادی و به عبارتی دو گروه، گروه متغیر جغرافیایی و جمعیت‌شناسی کیفیت زندگی بر الگوی مهاجرت در دوره‌ی اخیر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی پرداخته‌اند. مطالعه‌ی آن‌ها برای ۱۶ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی میان سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ انجام شده است. نتایج الگوی آن‌ها نشان دهنده‌ی عدم تأثیر شاخص‌های کیفیت زندگی بر مهاجرت بوده‌اند. نتیجه مطالعات آن‌ها هم‌چنین نشان دهنده‌ی تأثیر معنی‌دار متغیرهایی از جمله درآمد، جمعیت و عوامل جغرافیایی بر مهاجرت بوده است (لور و دیگران: ۲۰۰۸ به نقل از فرجادی ۱۳۸۲).

روش‌شناسی

هر تحقیقی با توجه به ویژگی‌ها و متناسب با مقتضیاتش روش خاصی را می‌طلبد. جمع‌آوری آمار و اطلاعات در مورد تعداد مهاجران، از منابع مختلفی صورت می‌گیرد که عبارتند از: سرشماری، دفاتر ثبت جمعیت، اطلاعات مربوط به ورود و خروج مهاجرین که از طریق مراجع مربوط به مهاجرت تهیه می‌شوند و بررسی‌های پرسش‌نامه‌ای که برای سنجش جابه‌جایی‌های جمعیتی طراحی می‌شوند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۹).

در این پژوهش از دو روش تحلیلی ثانویه و پیمایش (پرسش‌نامه) استفاده شده است. از روش تحلیل ثانویه برای تحلیل روند جریان‌های مهاجرتی استان با تأکید بر داده‌های

سرشماری استفاده می‌شود و در ادامه برای بررسی علل و عوامل مهاجرت در استان از روش پیمایش^۱ بهره برده است. تحقیق پیمایشی جمعیت‌های کوچک و بزرگ را با انتخاب و مطالعه‌ی نمونه‌های منتخب از آن جامعه‌ها برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای روانشناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد (کرلینجر ۱۳۸۲: ۶۵). جمعیت نهایی مورد مطالعه از میان زنان و مردان سرپرست خانوار که به ادارات ثبت احوال استان مراجعه و درخواست تغییر نشانی محل اقامت خود را دارند انتخاب شده‌اند. تکنیک گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. فنون مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی خواهد بود که با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت.

توصیف و تحلیل روند مهاجرت در استان مازندران

در سال ۱۳۳۵ از تعداد ۸۳۵۱۰۹ نفر جمعیت استان، فقط یک چهارم آن در مناطق شهری ساکن بودند؛ اما این وضعیت در ادوار بعدی دگرگون شد و به تدریج به جمعیت شهری استان افزوده گشت. آن‌گونه که سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان داد، برای اولین بار در استان، تعداد جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی فزونی یافت و جمعیت روستایی استان با کاهش مواجه شد. در سال مذکور متوسط میزان شهرنشینی در استان، برابر ۵۳/۲ درصد شد که نسبت به متوسط کشور (۶۸ درصد) بسیار کم‌تر است.

جدول شماره‌ی دو- میزان شهرنشینی استان مازندران ۱۳۳۵-۱۳۸۵

سال	جمعیت استان	نقاط شهری	نقاط روستایی	میزان شهرنشینی
۱۳۳۵	۸۳۵۱۰۹	۲۰۰۷۰۷	۶۳۴۴۰۲	۲۴,۰۳
۱۳۴۵	۱۲۵۰۰۹۰	۳۰۰۷۰۹	۹۴۹۳۸۱	۲۴,۰۵
۱۳۵۵	۱۵۹۶۵۶۵	۵۱۱۷۸۷	۱۰۸۴۷۷۸	۳۲,۰۶
۱۳۶۵	۲۲۷۴۷۶۳	۸۹۳۴۷۳	۱۳۸۱۲۹۰	۳۹,۲۸
۱۳۷۵	۲۶۰۲۰۰۸	۱۲۰۲۴۶۹	۱۳۹۹۵۳۹	۴۶,۲۱
۱۳۸۵	۲۹۲۰۶۰۱	۱۵۵۴۱۴۳	۱۳۶۸۲۳۳	۵۳,۲۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن

مهاجرت‌های درون و برون استانی

جابه‌جایی‌های جمعیتی یا به تعبیری کل حرکت‌های مهاجرتی استان مازندران در طول دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵، برابر ۲۵۹۱۰۴ نفر بوده است. این مسأله حاکی از این است که ۱۱/۴ درصد از کل جمعیت استان، در طول این دوره جابه‌جا شده‌اند. جابه‌جایی و مهاجرت جمعیت در استان در دوره‌ی بعد (۱۳۶۵-۱۳۷۵) افزایش زیادی یافته و به ۱۹/۱ درصد (۴۹۵۸۴۹ نفر) رسیده است. می‌توان گفت قریب به یک پنجم جمعیت استان، در طول این دهه حداقل یک‌بار، محل سکونت خود را تغییر داده‌اند. با این حال در دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ این میزان با کاهشی اندک به ۱۷/۵ درصد (۲۱۳۲۴۳ نفر) رسیده است. این امر می‌تواند گویای این واقعیت باشد که وضعیت استقرار جمعیت در سطح استان، از ثبات کمتری برخوردار است و جابه‌جایی‌های جمعیتی در استان مازندران در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. هم‌چنین بررسی میزان رشد کل حرکت‌های مهاجرتی استان، گویای این نکته است که در دوره‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵، این میزان به‌طور متوسط نزدیک به ۷ درصد رشد سالیانه داشته است که در دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵، از این شدت رشد بسیار کاسته شده، به صورتی‌که به زیر ۰/۵ درصد رسیده است.

نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که از ۴۷۴۳۹۳ نفر مهاجر خارج شده از استان مازندران، حدود ۳۴/۴ درصد به بیرون از استان مهاجرت کرده‌اند و ۶۵/۶ درصد نیز، در سطح استان جابه‌جا شده‌اند. هم‌چنین از ۵۱۰۸۲۲ نفر مهاجر وارد شده، نزدیک به ۴۰ درصد آن‌ها، از بیرون به مناطق مختلف استان مازندران وارد شده‌اند و ۶۰ درصد آن‌ها مربوط به مهاجرت‌های داخل استانی است. این داده‌ها، بیان‌کننده‌ی این است که روند مهاجرپذیری به استان مازندران بیش‌تر از مهاجرفرستی است. یا به عبارتی دیگر، در طول این دهه تعداد مهاجران ورودی از مناطق دیگر کشور، بیش‌تر از تعداد خروجی‌های آن است.

جدول شماره‌ی سه- مهاجران وارد شده و خارج شده از استان مازندران در سال ۱۳۸۵

شرح	تعداد/ درصد	مهاجران خارج شده	مهاجران وارد شده
کل	تعداد	۴۷۴۳۹۳	۵۱۰۸۲۲
بیرون استانی	تعداد	۱۶۳۰۷۶	۱۹۸۵۲۰
	درصد	۳۴,۴	۳۸,۹
درون استانی	تعداد	۳۱۱۳۱۴	۳۱۲۳۰۲
	درصد	۶۵,۶	۶۰,۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

جدول شماره‌ی چهار- تعداد مهاجرین درون استان مازندران طی دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۵۵

شرح	کل حرکت‌های مهاجرتی			مهاجرین درونی			سهم مهاجرت‌های درونی (درصد)		
	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵
مازندران	۲۵۹۱۰۴	۴۹۵۸۴۹	۵۱۰۸۲۲	۱۴۴۵۵۰	۳۶۱۶۷۶	۳۱۱۳۱۴	۵۵۸	۷۲,۹	۶۰,۹
کل کشور	۵۸۲۰۶۲۵	۸۷۱۸۷۷۰	۱۲۱۴۸۱۴۸	۳۰۳۰۲۹۷	۵۴۹۵۹۴۴	۴۷۷۴۰۴۰	۵۲,۱	۶۳,۰	۳۹,۳

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵.

مهاجرت طول عمر

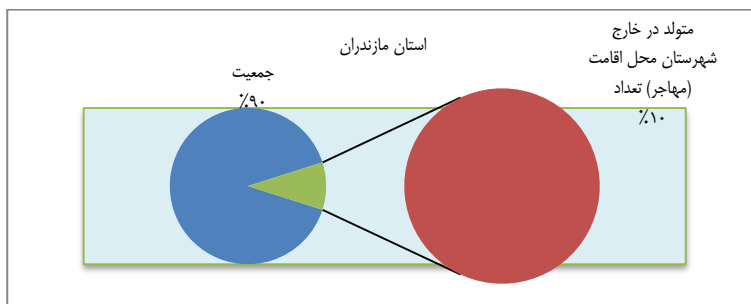
مهاجرت از لحاظ زمان انجام آن نیز تقسیم‌بندی می‌شود. چنان‌چه فردی در محل دیگری غیر از محل تولد خود اقامت داشته باشد، هرچند ممکن است سال‌های طولانی از شروع اقامت وی در این محل گذشته باشد، مهاجر به حساب می‌آید. این‌گونه مهاجرت‌ها را، مهاجرت طول عمر^۱ می‌نامند یا به عبارت دیگر، مهاجران طول عمر افرادی هستند که حداقل

یکبار در طول عمر خود، مهاجرت کرده و به محل تولد خود بازنگشته‌اند (زنجان‌ی ۱۳۸۰: ۱۰). بررسی مهاجران طول عمر استان مازندران، حکایت از این دارد که از تعداد ۲۹۲۲۳۷۶ نفر کل جمعیت استان، ۷۲/۲ درصد در طول دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵، در محل تولد خود اقامت داشته‌اند و ۲۷ درصد، در طی این ۱۰ سال حداقل یکبار محل تولد خود را تغییر داده‌اند که در این میان، مهاجرت از روستاها میزان بیش‌تری را نشان می‌دهد.

جدول شماره‌ی پنج- جمعیت ساکن استان مازندران بر حسب محل تولد (مهاجران طول عمر) ۱۳۸۵-۱۳۷۵

اظهار نشده	متولد جای دیگر			متولد در منطقه محل اقامت	کل جمعیت	شرح	
	خارج از کشور	آبادی	شهر				
۱۷۴۱۵	۵۸۵۹	۴۰۳۸۳۲	۳۸۶۲۶۶	۲۱۰۹۰۰۴	۲۹۲۲۳۷۶	تعداد	کل استان
۰/۶	۰/۲	۱۳/۸	۱۳/۲	۷۲/۲	۱۰۰	درصد	
۱۰۰۷۳	۳۳۰۸	۲۱۷۸۷۱	۲۶۱۸۴۱	۱۰۶۱۰۵۰	۱۵۵۴۱۴۳	تعداد	مناطق شهری
۰/۶	۰/۲	۱۴/۰	۱۶/۸	۶۸/۳	۱۰۰	درصد	
۷۳۴۲	۲۵۵۱	۱۸۵۹۶۱	۱۲۴۴۲۵	۱۰۴۷۹۵۴	۱۳۶۸۲۳۳	تعداد	مناطق روستایی
۰/۵	۰/۲	۱۳/۶	۹/۱	۷۶/۶	۱۰۰	درصد	

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.



نمودار شماره‌ی یک- مهاجران طول عمر وارد شده به استان مازندران ۱۳۸۵-۱۳۷۵

وضعیت جمعیتی مهاجران

بررسی خصوصیات جمعیتی استان مازندران در سرشماری ۱۳۸۵، نشان می‌دهد که از ۲۹۲۲۴۳۲ نفر جمعیت استان ۵۰/۲ درصد آن مرد و ۴۹/۸ درصد آن زن بوده‌اند که این

ترکیب در میان مهاجرین و افراد بومی با یکدیگر تفاوت دارد؛ به‌گونه‌ای که نزدیک به ۵۴ درصد از مهاجران وارد شده را مردان و ۴۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. ولی افراد بومی ۴۹/۴ درصد را مرد و ۵۰/۶ درصد را زنان در بر می‌گیرند. این شدت در مناطق روستایی استان بسیار محسوس‌تر است؛ به نحوی که بیش از ۸۴ درصد از مهاجران وارد شده به مناطق روستایی استان را مردان تشکیل می‌دهند که این امر می‌تواند باعث بر هم خوردن ترکیب جمعیتی و نسبت جنسی در استان، به‌ویژه مناطق روستایی شود که خود می‌تواند مسائلی را در این زمینه به‌وجود آورد.

بررسی میزان شهرنشینی در استان مازندران گویای این است که ۵۲ درصد جمعیت استان در مناطق شهری ساکن هستند؛ این وضعیت در میان مهاجرین برابر ۵۸ درصد، و در میان افراد بومی برابر ۵۲ درصد است. یعنی مهاجران وارد شده به استان مازندران، بیش‌تر در مناطق شهری آن سکونت می‌یابند که این امر می‌تواند به نوع خود، به ایجاد مسائل خاص شهری در استان منجر شود.

جدول شماره‌ی شش - نسبت جنسی کل جمعیت استان، مهاجرین و افراد بومی ۱۳۸۵

شرح	کل	نقاط شهری	نقاط روستایی
کل جمعیت استان	۱۰۰/۸	۱۰۱/۰	۱۰۰/۵
مهاجرین	۱۱۷/۳	۱۱۱/۶	۱۲۵/۸
افراد بومی	۹۷/۶	۹۸/۷	۹۶/۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

جدول شماره‌ی هفت- مشخصات جمعیتی مهاجرین و افراد بومی ۱۳۸۵

نقاط روستایی	نقاط شهری		کل			تعداد / درصد		کل جمعیت	کل جمعیت	مهاجرین	افراد بومی
	مرد	زن	کل	مرد	زن	تعداد	درصد				
کل	۷۸۱۰۷۷	۷۳۳۰۶۶	۱۵۵۴۱۴۳	۱۴۶۶۸۷۰	۱۳۵۵۵۶۲	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۵۱۰۸۳۲	۲۴۱۱۶۱۰
مرد	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۷۵۷۵۱	۲۴۱۱۶۱۰
زن	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۳۵۰۷۱	۲۴۱۱۶۱۰
کل	۷۸۱۰۷۷	۷۳۳۰۶۶	۱۵۵۴۱۴۳	۱۴۶۶۸۷۰	۱۳۵۵۵۶۲	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۷۵۷۸	۲۴۱۱۶۱۰
مرد	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۷۵۷۸	۲۴۱۱۶۱۰
زن	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۳۵۰۷۱	۲۴۱۱۶۱۰
کل	۷۸۱۰۷۷	۷۳۳۰۶۶	۱۵۵۴۱۴۳	۱۴۶۶۸۷۰	۱۳۵۵۵۶۲	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
مرد	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
زن	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۲۰۴۹۱	۱۲۲۰۴۹۱
کل	۷۸۱۰۷۷	۷۳۳۰۶۶	۱۵۵۴۱۴۳	۱۴۶۶۸۷۰	۱۳۵۵۵۶۲	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
مرد	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
زن	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۲۰۴۹۱	۱۲۲۰۴۹۱
کل	۷۸۱۰۷۷	۷۳۳۰۶۶	۱۵۵۴۱۴۳	۱۴۶۶۸۷۰	۱۳۵۵۵۶۲	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
مرد	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۵۵۵۶۵	۱۲۲۰۴۹۱
زن	۵۰۳	۴۹۷	۱۰۰	۵۰۳	۴۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۹۲۲۴۶۲	۱۰۰	۱۲۲۰۴۹۱	۱۲۲۰۴۹۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، از تعداد ۲۹۲۲۴۶۲ نفر جمعیت استان مازندران، ۲۱/۳ درصد در گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۷۲/۸ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۶ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار دارند. سهم جمعیت جوان ۱۵-۳۰ سال، از کل جمعیت استان ۳۴ درصد است. این مقادیر برای جمعیت بومی استان به ترتیب: ۲۲/۳ درصد در گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۷۰/۷ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۷ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال است. سهم جمعیت جوان ۱۵-۳۰ سال از کل جمعیت بومی استان، ۳۰/۲ درصد است. و برای افراد مهاجر وارد شده به استان، ۱۶/۴ درصد در گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۸۲/۳ درصد در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و ۱/۲ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار دارند و

بیش‌ترین جمعیت مهاجر وارد شده به استان، در گروه سنی ۳۰-۱۵ سال با ۵۲/۴ درصد هستند.

آنچه قابل ذکر است این‌که، مهاجران غالباً افرادی در گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۴ ساله هستند که بیان‌کننده‌ی مهاجرت خانوارهای جوان‌تر است که احتمالاً منشأ آن، یافتن کار بهتر با درآمد بیش‌تر است. و علاوه بر این گروه، افراد زیر ۱۰ سال نیز، در میان مهاجران درصد بالایی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر خانواده‌های مهاجر، غالباً خانواده‌هایی تازه تشکیل شده هستند که همراه با فرزندان خود، اقدام به مهاجرت کرده‌اند.

در توزیع سنی مهاجران مرد و زن وارد شده به مناطق شهری استان، تفاوت آشکاری وجود ندارد. در مناطق روستایی این تفاوت محسوس‌تر است و تعداد مردان بیش‌تری نسبت به زنان، در سن فعالیت و کار به مناطق روستایی استان وارد شده‌اند.

جدول شماره‌ی هشت- درصد مهاجران وارد شده به تفکیک گروه‌های سنی و نقاط شهری و روستایی ۱۳۸۵

نقاط روستایی			نقاط شهری			کل استان			گروه‌های سنی
زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	
۱۷/۹	۱۴/۷	۱۶/۱	۱۷/۱	۱۶/۳	۱۶/۷	۱۷/۴	۱۵/۶	۱۶/۴	۰-۱۴
۸۱/۰	۸۴/۳	۸۲/۸	۸۱/۵	۸۲/۵	۸۲/۰	۸۱/۳	۸۳/۳	۸۲/۳	۱۵-۶۴
۱/۲	۱/۰	۱/۱	۱/۴	۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۱	۱/۲	۶۵+
۵۲/۹	۵۸/۳	۵۵/۹	۵۱/۰	۴۸/۸	۴۹/۸	۵۱/۸	۵۲/۹	۵۲/۴	۱۵-۳۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

جدول شماره‌ی نه- تعداد و درصد افراد بومی، مهاجر و کل جمعیت به تفکیک گروه‌های سنی ۱۳۸۵

افراد بومی		مهاجرین		کل جمعیت		گروه‌های سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۴۱۱۶۱۰	۱۰۰	۵۱۰۸۲۲	۱۰۰	۲۹۲۲۴۳۲	جمع کل
۷/۰	۱۶۸۸۲۸	۳/۵	۱۷۹۴۳	۶/۴	۱۸۶۷۷۱	۴- ۰ ساله
۶/۹	۱۶۶۸۶۸	۶/۲	۳۱۵۸۰	۶/۸	۱۹۸۴۴۸	۹- ۵ ساله
۸/۴	۲۰۳۰۵۳	۶/۷	۳۴۴۱۳	۸/۱	۲۳۷۴۶۶	۱۴- ۱۰ ساله
۱۲/۰	۲۸۹۷۸۳	۱۰/۷	۵۴۶۱۳	۱۱/۸	۳۴۴۳۹۶	۱۹- ۱۵ ساله
۱۰/۴	۲۵۰۷۹۲	۲۳/۲	۱۱۸۳۳۶	۱۲/۶	۳۶۹۱۲۸	۲۴- ۲۰ ساله
۷/۸	۱۸۸۲۱۰	۱۸/۵	۹۴۵۹۰	۹/۷	۲۸۲۸۰۰	۲۹- ۲۵ ساله
۷/۴	۱۷۸۶۸۳	۱۱/۲	۵۷۳۱۶	۸/۱	۲۳۵۹۹۹	۳۴- ۳۰ ساله
۷/۷	۱۸۶۵۳۱	۷/۶	۳۸۹۶۵	۷/۷	۲۲۵۴۹۶	۳۹- ۳۵ ساله
۷/۲	۱۷۴۵۰۷	۴/۸	۲۴۷۰۷	۶/۸	۱۹۹۲۱۴	۴۴- ۴۰ ساله
۶/۴	۱۵۳۸۵۰	۳/۰	۱۵۱۴۴	۵/۸	۱۶۸۹۹۴	۴۹- ۴۵ ساله
۱۱/۷	۲۸۱۶۳۸	۳/۳	۱۶۹۵۱	۱۰/۲	۲۹۸۵۸۹	۶۴- ۵۰ ساله
۷/۰	۱۶۸۸۶۷	۱/۲	۶۲۶۴	۶/۰	۱۷۵۱۳۱	۶۵ ساله و بیشتر

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

بررسی توزیع سنی مهاجران خارج شده از استان مازندران، در طی دهه‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵، حاکی از این است که از ۴۷۴۳۹۳ نفر مهاجر خارج شده از استان، ۱۷ درصد در گروه سنی زیر ۱۵ سال، ۸۲ درصد در گروه سنی ۶۴-۱۵ سال و ۱ درصد در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار دارند. سهم جوانان ۳۰-۱۵ سال در این میان، برابر ۵۱ درصد است که در مناطق روستایی بالغ بر ۵۲ درصد می‌شود.

جدول شماره‌ی ده- توزیع نسبی مهاجران خارج شده بر حسب سن ۱۳۸۵

نقاط روستایی		نقاط شهری		کل استان		گروه‌های سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۶۴۹۴۰	۱۰۰	۳۰۹۴۵۴	۱۰۰	۴۷۴۳۹۳	جمع
۴/۳	۷۰۳۳	۳/۲	۹۹۶۷	۳/۶	۱۷۰۰۰	۴- ۰ ساله
۶/۷	۱۱۰۹۷	۶/۲	۱۹۲۰۰	۶/۴	۳۰۲۹۷	۹- ۵ ساله
۶/۹	۱۱۳۶۸	۶/۷	۲۰۶۱۶	۶/۷	۳۱۹۸۳	۱۴- ۱۰ ساله
۱۱/۲	۱۸۵۳۴	۱۰/۳	۳۱۷۶۳	۱۰/۶	۵۰۲۹۷	۱۹- ۱۵ ساله
۲۲/۸	۳۷۵۴۶	۲۱/۵	۶۶۶۸۴	۲۲/۰	۱۰۴۲۳۰	۲۴- ۲۰ ساله
۱۸/۴	۳۰۳۷۵	۱۸/۹	۵۸۵۷۴	۱۸/۸	۸۸۹۴۹	۲۹- ۲۵ ساله
۱۱/۷	۱۹۳۰۷	۱۲/۱	۳۷۵۷۰	۱۲/۰	۵۶۸۷۸	۳۴- ۳۰ ساله
۷/۴	۱۲۱۲۴	۸/۲	۲۵۳۴۳	۷/۹	۳۷۴۶۷	۳۹- ۳۵ ساله
۴/۲	۶۹۵۱	۵/۱	۱۵۹۰۷	۴/۸	۲۲۸۶۰	۴۴- ۴۰ ساله
۲/۵	۴۲۰۲	۳/۲	۹۸۴۲	۳/۰	۱۴۰۴۴	۴۹- ۴۵ ساله
۲/۷	۴۵۱۸	۳/۵	۱۰۷۳۲	۳/۲	۱۵۲۵۰	۶۴- ۵۰ ساله
۱/۱	۱۸۸۶	۱/۱	۳۲۵۴	۱/۱	۵۱۴۰	۶۵ ساله و بیش‌تر

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

مهاجران وارد شده بر حسب مدت اقامت

بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵، طی ۱۰ سال گذشته، نزدیک به ۲۲ درصد مهاجرین به استان کمتر از یک‌سال، ۱۱/۷ درصد یک‌سال، ۱۳/۲۵ درصد دو سال، ۹/۹ درصد و ۹/۳ درصد نیز به ترتیب ۴ و ۵ سال در استان اقامت داشته‌اند. کمتر از ۲۰ درصد مهاجران نیز، بیش از ۶ سال در استان اقامت داشته‌اند به طور کلی بیش از نیمی از مهاجران وارد شده، کمتر از ۳ سال در استان اقامت داشته‌اند.

جدول شماره‌ی یازده- مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب مدت اقامت در محل سرشماری

به تفکیک نقاط شهری و روستایی ۱۳۸۵

ساکن در نقاط روستایی		ساکن در نقاط شهری		جمع		مدت اقامت در محل سرشماری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۱۳۲۴۴	۱۰۰	۲۹۷۵۷۸	۱۰۰	۵۱۰۸۲۲	جمع
۲۲/۳۸	۴۷۷۲۶	۲۰/۷۲	۶۱۶۵۸	۲۱/۴۱	۱۰۹۳۸۴	کمتر از یکسال
۱۱/۹۴	۲۵۴۵۸	۱۱/۶۱	۳۴۵۵۲	۱۱/۷۵	۶۰۰۱۰	۱سال
۱۳/۶۰	۲۸۹۹۱	۱۳/۰۱	۳۸۷۰۸	۱۳/۲۵	۶۷۶۹۹	۲سال
۱۲/۰۹	۲۵۷۷۱	۱۲/۲۳	۳۶۴۰۱	۱۲/۱۷	۶۲۱۷۲	۳سال
۹/۷۳	۲۰۷۵۵	۱۰/۰۱	۲۹۷۹۱	۹/۹۰	۵۰۵۴۶	۴سال
۸/۸۸	۱۸۹۳۳	۹/۶۹	۲۸۸۳۸	۹/۳۵	۴۷۷۷۱	۵سال
۶/۳۷	۱۳۵۸۸	۶/۷۸	۲۰۱۸۱	۶/۶۱	۳۳۷۶۹	۶سال
۵/۳۹	۱۱۴۹۰	۵/۷۳	۱۷۰۴۰	۵/۵۹	۲۸۵۳۰	۷سال
۵/۹۳	۱۲۶۵۲	۶/۲۴	۱۸۵۵۶	۶/۱۱	۳۱۲۰۸	۸سال
۳/۴۵	۷۳۶۱	۳/۸۲	۱۱۳۵۵	۳/۶۶	۱۸۷۱۶	۹سال
۰/۲۴	۵۱۹	۰/۱۷	۴۹۸	۰/۲۰	۱۰۱۷	اظهار نشده

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

مهاجران بر حسب علت

مهاجرت‌ها ممکن است علل مذهبی، سیاسی و یا اقتصادی داشته باشند. ولی در حال حاضر آرزوی رفاه بیشتر، انگیزه‌ی اصلی انسان‌ها برای مهاجرت است. امروزه، جاذبه شهرهای بزرگ و امید کسب مزد بیشتر در صنایع شهری، وجود بی‌کاری در روستاها، ازدیاد جمعیت و جستجوی سرزمین‌های تازه از جمله انگیزه‌های اصلی مهاجرت هستند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

بررسی مهاجران وارد شده به استان مازندران در طول سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، بر حسب علت مهاجرت که در جدول شماره‌ی دوازده نشان داده شده، حاکی از این است که از کل

مهاجرین وارد شده به استان، ۱۰/۷ درصد آن‌ها در جستجوی کار یا کار بهتر بوده‌اند. ۴/۸ درصد انتقالی شغلی، ۱۰/۵ درصد برای تحصیل یا پایان تحصیل، ۱۳/۷ درصد نیز برای انجام خدمت سربازی یا پایان آن به استان مهاجرت کرده‌اند. در این میان سهم کار و اشتغال برای مهاجرت به استان حدود ۱۵ درصد است و این وضعیت، تغییر محسوسی در میان مناطق شهری و روستایی استان ندارد.

جدول شماره‌ی دوازده- مهاجران وارد شده بر حسب علت ۱۳۸۵

مناطق جغرافیایی	تعداد / درصد	جمع	جستجوی کار	جستجوی کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	انجام خدمت وظیفه	پایان خدمت وظیفه	پیری از خانوار	سایر
مازندران	تعداد	۵۱۰۸۲۲	۲۹۳۹۸	۲۴۷۷۶	۲۴۷۴۶	۴۴۳۸۷	۹۳۰۳	۱۷۰۲۴	۵۲۹۷۰	۲۳۰۸۳۰	۵۵۸۴۴
	درصد	۹۶	۵/۸	۴/۹	۴/۸	۸/۷	۱/۸	۳/۳	۱۰/۴	۴۵/۲	۱۰/۹
شهری	تعداد	۲۹۷۵۷۸	۱۷۱۶۵	۱۴۳۱۵	۱۹۲۳۹	۳۷۵۶۴	۶۲۷۴	۷۵۱۰	۱۹۱۵۳	۱۳۲۷۳۷	۳۱۹۲۹
	درصد	۹۶	۵/۸	۴/۸	۶/۵	۱۲/۶	۲/۱	۲/۵	۶/۴	۴۴/۶	۱۰/۷
روستایی	تعداد	۲۱۳۲۴۴	۱۲۲۳۳	۱۰۴۶۱	۵۵۰۷	۶۸۲۳	۳۰۳۹	۹۵۱۴	۳۳۸۱۸	۹۸۰۹۴	۲۳۹۱۵
	درصد	۹۵	۵/۷	۴/۹	۲/۶	۳/۲	۱/۴	۴/۵	۱۵/۹	۴۶/۰	۱۱/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

بررسی مهاجران خارج شده از استان مازندران در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، بر حسب علت مهاجرت که در جدول شماره‌ی سیزده نشان داده شده، بیان‌کننده‌ی این است که از ۴۷۴۳۹۳ نفر مهاجر خارج شده از استان، ۱۲/۸ درصد آن‌ها در جستجوی کار یا کار بهتر بوده‌اند. ۵/۲ درصد انتقالی شغلی، ۱۰/۴ درصد برای تحصیل یا پایان تحصیل، ۸ درصد نیز برای انجام خدمت سربازی یا پایان آن از استان مهاجرت کرده‌اند. در این میان سهم کار و اشتغال برای مهاجرت به خارج از استان، بیش از ۱۷ درصد است. این وضعیت حاکی از این است که، علت مهاجرت مهاجران خارج شده از استان به نسبت مهاجران وارد شده، بیشتر بر اثر فعالیت، کار و اشتغال، اعم از جستجوی کار یا کار بهتر یا انتقالی شغلی است.

جدول شماره‌ی سیزده- مهاجران خارج شده بر حسب علت ۱۳۸۵

منطقه‌ی جغرافیایی	استان		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع	۲۷۲۳۹۳	۹۵	۳۰۹۲۵۴	۹۶	۱۶۴۹۴۰	۹۴
تعداد / درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جستجوی کار	۳۶۱۶۶	۷/۶	۲۶۱۸۱	۸/۵	۹۸۸۵	۶۰
جستجوی کار بهتر	۲۴۳۱۷	۵/۲	۱۶۶۱۲	۵/۴	۷۸۲۴	۴/۷
انتقال شخصی	۲۴۸۰۲	۵/۲	۲۰۸۷۹	۶/۷	۳۹۲۲	۲/۴
تحصیل	۴۲۱۴۳	۸/۹	۳۶۵۳۵	۱۱/۸	۵۶۰۷	۳/۴
پایان تحصیل	۷۷۸۵	۱/۵	۵۴۸۹	۱/۸	۱۷۹۷	۱/۱
انجام خدمت وظیفه	۱۸۵۳۶	۳/۹	۹۳۰۵	۳/۰	۹۲۳۱	۵/۶
پایان خدمت وظیفه	۱۹۲۲۰	۴/۱	۸۳۴۷	۲/۷	۱۰۸۷۲	۶/۶
پیروی از خانواده	۲۳۸۸۱۱	۸۷/۳	۱۴۴۰۷۷	۴۶/۶	۸۴۷۳۳	۵۱/۴
سایر	۵۱۵۳۶	۱۰/۹	۳۰۱۳۰	۹/۷	۲۱۳۹۵	۱۳/۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

اثر بخشی مهاجرت

بررسی میزان اثر بخشی مهاجرتی (نقش مهاجرت در باز- توزیع جمعیت) در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵، گویای این است که این شاخص برای کل حرکت‌های مهاجرتی استان برابر ۳/۶۷ درصد، برای مبادلات مهاجرتی میان استانی برابر ۹/۸ درصد و برای مهاجرت‌های دورن استانی برابر ۵/۷۳ درصد بوده است. میزان تأثیرگذاری مهاجرتی شهر به شهر ۱/۸۸- درصد، شهر به روستا ۵۳/۳۲ درصد، روستا به شهر ۳۲/۸۶ درصد و روستا به روستا ۳۲/۶۵ درصد است. بنابراین بیش‌ترین میزان اثر مهاجرتی استان را مهاجرت‌های شهر- روستا تشکیل می‌دهند و مهاجرت، نقش تعیین‌کننده‌ای در باز- توزیع جمعیت مناطق روستایی و شهری استان داراست.

جدول شماره‌ی چهارده- میزان اثر بخشی مهاجرتی استان مازندران ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به تفکیک شهر و روستا

میزان اثر بخشی				شرح
روستا به روستا	روستا به شهر	شهر به روستا	شهر به شهر	
۳۲/۶۵	۳۲/۸۶	۵۳/۳۲	-۱/۸۸	استان مازندران

باز - توزیع جمعیت

منظور از باز - توزیع جمعیت، تعداد افرادی است که باید دوباره توزیع شوند تا توزیع جمعیت در ابتدای دوره‌ی مورد مطالعه (سرشماری نخست) به دست آید (باسکار، ۱۹۸۰^۱). البته باید توجه داشت، مهاجرت تنها عامل تغییر توزیع جمعیت یا تغییر سهم جمعیتی مناطق مختلف یک کشور نیست، باروری و مرگ و میر نیز دو عامل اساسی دیگر باز - توزیع جمعیت هستند.

شاخص باز - توزیع

در مطالعات جمعیتی، شاخص باز - توزیع جمعیت با استفاده از رابطه‌ی زیر محاسبه

می‌شود:

$$I = \sum \frac{P_{ei}^0 - P_{ei}^1}{2}$$

در این فرمول، I شاخص باز - توزیع جمعیت، P_{ei}^0 درصد جمعیت یک منطقه در ابتدای دوره و P_{ei}^1 درصد جمعیت آن منطقه در انتهای دوره‌ی مورد مطالعه است. بر این اساس شاخص باز توزیع جمعیت در استان مازندران در طی دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵، برابر ۰/۹۳ است.

جدول شماره‌ی پانزده- میزان باز - توزیع جمعیت در استان مازندران در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵

شرح	مقدار شاخص
شاخص باز توزیع	۰/۹۳
حجم باز توزیع	۲۳۳۴
میزان باز توزیع	۰/۰۸۸
باز توزیع ناشی از مهاجرت	۱۷۷۲۲
میزان باز توزیع ناشی از مهاجرت	۰/۶۴
باز توزیع ناشی از افزایش طبیعی	-۱۵۷۸۸
میزان باز توزیع ناشی از افزایش طبیعی	-۰/۵۵

مأخذ- محاسبات تهیه کننده

تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های تحقیق

در مرحله‌ی دوم، به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، هر یک از متغیرهای مستقل به طور جداگانه با متغیر وابسته به صورت دو به دو مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته‌اند. آماره‌ایی که برای آزمون فرضیات مورد استفاده قرار گرفته است، آزمون مقایسه‌ی میانگین شامل آزمون T یک نمونه (one Sample T Test) بوده است. نتایج به قرار زیر است:

جدول شماره‌ی شانزده- همبستگی متغیرهای مستقل با مهاجرت

سطح معناداری	مقدار t	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۳۶/۶	عوامل اقتصادی
۰/۰۰۰	۴۶/۵	عوامل اجتماعی
۰/۰۰۰	۷۷/۷	عوامل روانشناختی
۰/۰۰۰	۴۵/۱	عوامل مبدأ
۰/۰۰۰	۴۱/۲	عوامل مقصد
۰/۰۰۰	۴۰/۰	ارتباطات

(a) عوامل اقتصادی و مهاجرت

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۱۶ نشان داده شده است میان عوامل اقتصادی و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = 36/6$ است که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و تا حدی ضعیف است. به عبارت دیگر، هر چه متغیرهای اقتصادی پر رنگ‌تر می‌شوند اقدام به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد.

(b) عوامل اجتماعی و مهاجرت

میان عوامل اجتماعی و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = 45/5$ می‌باشد که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و تقریباً متوسط میان عوامل اجتماعی و مهاجرت است. به عبارت دیگر، هر چه متغیرهای اجتماعی پر رنگ‌تر می‌شوند اقدام به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد.

(c) عوامل روانشناختی و مهاجرت

میان عوامل روانشناختی و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = 77/7$ می‌باشد که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و قوی بین دو متغیر است. به عبارت دیگر، هر چه متغیرهای روانشناختی تأثیر مستقیم و غیر قابل انکاری در اقدام افراد به مهاجرت دارد.

(d) عوامل مبدأ و مهاجرت

میان عوامل مبدأ و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = 45/1$ است که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و متوسط است. به عبارت دیگر، هر چه دافعه‌های مبدأ بیش‌تر باشد مهاجرت نیز افزایش می‌یابد.

(e) عوامل مقصد و مهاجرت

میان عوامل مقصد و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = 41/2$ است که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و تقریباً متوسط است. به عبارت دیگر، هر چه جاذبه‌های مقصد بیش‌تر باشد مهاجرت نیز افزایش می‌یابد.

(f) عوامل ارتباطات و مهاجرت

میان عوامل ارتباطات و مهاجرت رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان $t = ۴۰/۰$ است که نشانه‌ی رابطه‌ی مستقیم و تا حدی متوسط است. به عبارت دیگر، هر چه ارتباطات افراد بیش‌تر باشد مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. به‌طور کلی همه‌ی فرضیات تحقیق پس از آزمون تأیید شد که از میان متغیرهای تأثیرگذار متغیر عوامل روانشناختی بیش‌ترین تأثیر و متغیر عوامل اقتصادی کمترین تأثیر را بر مهاجرت داشته است.

نتایج و راهکارها

مهاجرت و چگونگی توزیع مجدد جمعیت در داخل کشور، یکی از اساسی‌ترین عواملی است که سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی جامعه، برای نظم و جهت دادن به جابه‌جایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های مورد نظر، به آن توجه دارند (مرکز آمار ایران ۱۳۸۶: ۱).

در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ کل حرکت‌های مهاجرتی استان مازندران ۵۱۰۸۲۲ نفر است؛ یعنی در فاصله‌ی سال‌های مزبور قریب به ۱۷/۵ درصد از جمعیت استان جابه‌جا شده‌است و در طول این دوره مازندران با خالص مهاجرتی مثبت ۳۵۴۴۴ جزء ۱۱ استان مهاجرپذیر کشور محسوب می‌شود. بیش‌ترین مبادله‌ی مهاجرتی استان مازندران، همواره با استان‌های هم‌جوار (تهران، خراسان رضوی، گیلان، گلستان و سمنان) خود است.

بررسی مهاجران وارد شده به استان مازندران در طول سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، برحسب علت مهاجرت نشان می‌دهد که بعد از پیروی از خانوار و انجام خدمت سربازی که جنبه‌ی اضطرار در آن بیش‌تر است، جستجوی کار یا کار بهتر با ۱۰/۷ در اولویت قرار دارد.

از تعداد ۵۱۰۸۲۲ نفر مهاجر وارد شده به استان مازندران در طول دهه‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۵، ۳۷/۶۴ درصد مربوط به مهاجران درون استانی و بقیه ۶۲/۳۶ درصد مربوط به مهاجران وارد شده از استان‌های دیگر است. در میان مهاجران وارد شده از دیگر استان‌های کشور، استان تهران با ۲۳/۸۶ درصد دارای بیش‌ترین سهم است و در رتبه‌ی اول قرار دارد. استان‌های هم‌جوار، گلستان، گیلان، خراسان رضوی و سمنان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به‌طورکلی

نزدیک به ۶۰ درصد از جریانات مهاجرتی استان، به مهاجرت‌های داخل استانی و حدود ۴۰ درصد به مبادلات مهاجرتی با دیگر استان‌های کشور اختصاص دارد. یافته‌های پژوهش در بخش آزمون فرضیات نشان می‌دهد که میان عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی و روانشناختی و هم‌چنین عوامل موجود در مبدأ و مقصد مهاجرت با مهاجرت در استان مازندران رابطه‌ی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. به‌طور کلی همه‌ی فرضیات تحقیق پس از آزمون تأیید شد که از میان این متغیرها، عوامل روانشناختی تأثیرگذارترین متغیر بر مهاجرت و عوامل اقتصادی کمترین رابطه را در میان متغیرهای مستقل با مهاجرت داشته است. با توجه به این امر باید مجموعه‌ای از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی را اتخاذ کرد که جامع و یک‌پارچه و هماهنگ باشد، تقویت امکانات اقتصادی در شهرهای کوچک و روستاها و در ارتباط با سیاست‌های مهار مهاجرت که کاملاً معطوف به مناطق مهاجر فرست است، طبعاً باید به مقابله با علل و عواملی پرداخت که موجب پیدایش برون کوچی می‌شود. معمولاً فقر، نبود امکانات تولیدی، اشتغال و کسب درآمد و یا فقدان تأسیسات اقتصادی - اجتماعی مهم‌ترین دلایل مهاجرت‌ها هستند.

منابع

- ۱- امانی، مهدی و دیگران (۱۳۵۴) *لغت نامهی جمعیت‌شناسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲- اوپرای. اس. (۱۳۷۰) *مهاجرت شهرنشینی و توسعه*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: انتشارات سازمان بین‌المللی کار.
- ۳- تودارو، مایکل (۱۳۶۷) *مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه‌ی مصطفی سرمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- ۴- خانی، فضیله (۱۳۸۳) *پی آمد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی روستاهای بند پی شرقی، مازندران)*، مطالعات زنان، سال دوم، شماره‌ی ۴.
- ۵- زنجانی، حبیب اله (۱۳۸۰) *مهاجرت*، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۱) *جمعیت و شهرنشینی در ایران*، جلد اول جمعیت، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۷- فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۲) *مهاجرت و اشتغال در استان تهران*، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.

۸- کاظمی پور، شهلا؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۶) «تجربه‌ی اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال دوم، شماره‌ی ۳، تابستان ۱۳۸۶.

۹- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۴) *مبانی جمعیت‌شناسی*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۱۰- کلینجر، فرد، ان (۱۳۸۲) *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه‌ی دکتر حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: انتشارات آوای نو.

۱۱- کوششی، مجید (۱۳۸۳) «نقش جوانان در جریانهای مهاجرتی و عرضه نیروی کار استان تهران»، دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران (مجموعه مقالات بررسی مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان)، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

۱۲- محمودیان، حسین. مشفق محمود (۱۳۸۷) «تغییرات ساختار مکانی مهاجرت‌های بین منطقه‌ای در ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۵۵»، *نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره‌ی ۶، زمستان ۱۳۸۷.

۱۳- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶) *مهاجرت‌های استانی (۱۳۸۵-۱۳۷۵) براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵*، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری

۱۴- مرکز آمار ایران. *نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵*.

۱۵- نقدی، اسداله (۱۳۸۷) غربت‌نشین ایرانیان با نگاهی به مسائل اجتماعی مهاجران ایرانی در سوئد، *نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره‌ی ۵، تابستان ۱۳۸۷.

16- Bhaskar, D. Misra (1980) *An introduction to the study of population*, South Asian publishers, New Delhi, P.270.

17- -Liu, B (1975) Differential Net Migration Rates and the Quality of life, *The Review of Economics and Statistics*. 53(3), 329-337.

18- -Lewer . Joshua j, Gail Pacheco and Stephanie Rossouw (2009) **Do Non – Economic Quality of Life Factors Drive Immigration?**, IZA DP No4385 August 2009.

19- -Murohy, H. B (1997) *migration culture and mental health*, *Psychology*, Vol. 4 ,No 7, pp677-684.